

این کارگردان جوان که از فیلمهای قبلی اش خیری ندیده بود، برای حرکت جدیدش، گونه‌ی سینمای پلیسی - جنایی را انتخاب کرد. اکران فیلم بسیار ضعیف «توطئه» نشان داد که این لباس نیز برای تن او گشاد است و قوی‌تن باید قبل از هر چیز تکلیفش را با خودش و گونه‌ی موردعلاقه‌اش در سینما یکسره کند و بعد تواناییهایش را خرج آن نماید وگرنه این گونه، بار کج او هیچ‌گاه به منزل نمی‌رسد.

□ □ □

علی قوی‌تن، جوان با استعدادی است، سینما را نیز بلد است؛ اما باید تجربه بیندوزد و در کنار آن مطالعه و تحقیق را فراموش نکند. انتخاب یا

نگارش فیلمنامه‌ای اصولی که موازین و ضوابط ویژه‌ی فیلمهای جنایی را داشته باشد، مهمترین کاری است که او - اگر می‌خواهد به گونه‌ی سینمای پلیسی فیلم بسازد - باید به آن پردازد وگرنه فیلمش مانند «توطئه»، اثری ضعیف با شخصیت‌های نامشخص و حوادث بی‌ارتباط با هم، فضاسازیهای آشفته، قهرمانبازیهای اغراق‌آمیز و ... می‌شود که به احتمال قوی خود قوی‌تن را نیز راضی نمی‌کند.

سینماگران ما باید بدانند که سینمای جنایی - پلیسی با گرد آوردن چند آدم با چهره‌های اکشن (!) و اعمال بی‌ربط و بی‌منطق اکشن فرق دارد. این نوع سینما ویژگیها و اصولی دارد که دستکم تماشاگر فیلمهای مشهور جنایی تاریخ سینما بخشی

از آنها را به مخاطبش می‌آموزد. سازنده‌ی یک اثر جنایی که قرار است مانند فیلم «توطئه» به روانکاوی شخصیتها نیز پردازد، باید روانکاوی را بفهمد و جنایت را به شیوه‌ی سینمایی ترسیم و تصویر کند و تلفیقی شایسته میان آنها به وجود بیاورد. فیلم توطئه در این عرصه نیز ناموفق است و یا ارائه‌ی شخصیت اصلی فیلم که اعمالی غیرطبیعی انجام می‌دهد و گاهی رفتار و کردارش ریشخند تماشاگر را به دنبال می‌آورد، تصویری نامطلوب و الکن از سینمای پلیسی ارائه داده است. قوی‌تن تنها در صورتی می‌تواند حضور موقتی در سینمای ایران داشته باشد که استعدادش را در بازار مکاره‌ی فیلمسازی حراج نکند. ■



شکست دوجانبه

همراهی چند نفر از اعضای شرکت نمایش فیلم هزینه کردیم، در حالی که اگر با این پول، پلاستیک هم خریده شده بود، کلی سود داشت؛ البته سود مادی. پس ما از وجودمان برای تهیه‌ی یک کار فرهنگی مایه گذاشتیم و حق داریم از مردم و مسئولان متوقع حمایت باشیم. خلاصه از این که مشکلات جانبی، حرکت مرا برای رسیدن به هدف و یک اثر ایده‌آل گُند کرده، خیلی دلگیرم.

به‌باور نگارنده، فیلم توطئه نه تنها به کلی تهی از بار فرهنگی است، به‌مختصات یک اثر سرگرم‌کننده‌ی صرف هم نزدیک نمی‌شود. در واقع ساختن این فیلم، «خرسان مضاعف» است. به این معنا که در هر دو جبهه‌ی فرهنگی و تجاری با شکست روبه‌رو می‌شود، به‌علاوه آن چنان که کارگردان مدعی شده است، به نظر نمی‌رسد فیلمنامه‌ی «توطئه» محصول ۲۰ ماه «تلاش» و ماهها «تفکر» و «پژوهش» باشد؛ زیرا با توجه به محصول نهایی، یا باید در میزان توان و دانش کارگردان شک کنیم یا در صحت گفته‌هایش!

اتفاقاً یکی از کاستیهای جدی و محوری «توطئه» فقدان عنصر تحقیق در کار نگارش فیلمنامه‌ی آن است که در حین ساخت نیز به‌سخت بودن شخصیتها و رخدادها انجامیده و آنها را

□ «توطئه»، تجربه‌ای خامدستانه در نوع «پلیسی - حادثه‌ای» سینماست. متأسفانه «قوی‌تن» به تکرار و تقلید همان قراردادها، کلیشه‌ها و سیاق قدیمی این ژانر سینمایی دلخوش کرده و حتی در این راستا نیز به‌باز آفرینی آنها برابر «اصل» نائل نیامده است؛ گویی که برای او تنها و فقط «ساختن فیلم» و حضورش به‌عنوان «کارگردان سینما» اهمیت دارد، نه چگونگی و کیفیت این حضور. «علی قوی‌تن» درباره‌ی «توطئه» در جایی گفته است: من ۲۰ ماه برای نوشتن فیلمنامه‌ی توطئه تلاش کردم و چهار ماه برای انتخاب عوامل جلو و پشت دوربین، وقت تلف کردم و با جرأت می‌توانم بگویم که به‌اندازه‌ی ده سال عمر یک آدمی که شغل معمولی دارد، تحلیل رفتم، از نظر مادی هم همین‌طور، بیش از چهار میلیون تومان با

در حدی غیرملموس و باورناپذیر تزلز داده است. به‌علاوه توطئه به‌لحاظ درونمایه‌ی داستانی اش هیچ‌گونه تازگی و بدعتی ندارد (همزمان با این فیلم، فیلمی دیگر با عنوان «فرار از جهنم» با همین داستان ساخته شده است، چنان که گویی این دو را براساس یک فیلمنامه‌ی واحد و با انجام تغییراتی در خط داستانی و شخصیتها ساخته‌اند). ماجراهای فیلم چنان که گفته آمد - از آن رو که بسیار سردستی و عاری از منطق روایی‌اند - باورپذیر نیستند و شخصیتها ضمن آن که ما به‌ازای بیرونی - در خارج از چارچوب فیلم - ندارند، به‌درستی پرداخت نشده‌اند: شخصیت پردازی بسیار ضعیف و نارس به‌ویژه در مورد شخصیت قاجاقچی دارو (امین تارخ) بسیار آشکار است، شخصیت او مطابق طرح اولیه‌ی فیلمنامه نیاز به‌کاوشی درونی و روانشناختی داشته است، با این حال تماشاگر هیچ‌گاه به‌او نزدیک نمی‌شود و سازنده‌ی فیلم هم از لایه‌ها و پوسته‌های رویی به‌سمت عمق حرکت نکرده است.

به‌هر روی پس از «عشق من شهر من» ساخته‌ی پیشین این کارگردان، فیلم «توطئه» نیز اثر چندانی قابل توجهی نیست و قوی‌تن تا تولید یک اثر ایده‌آل و مطلوب، فرسنگها فاصله دارد! ■ ش.ش